

ملت  
اراده  
مفتحه فامه

ویریه نامه  
روز جهانی زن

با آثاری از:

زهره رحیمی  
فاطمه قدم  
محمد مهدی احدیان  
فاطمه امامی  
علی خلیلی پور دارستانی

ضمیمه نشریه ۵۹  
شماره ۱  
۲۳ اسفند سال ۱۳۰۱



ویژه نامه شماره ۱

ضمیمه نشریه شماره ۵۹

۲۴ اسفند ۱۴۰۱



صاحب امتیاز: حزب اراده ملت ایران

مدیرمسئول: رحیم حمزه

سردبیر ویژه نامه: افشین فرهانچی

نشانی: خیابان اسکندری جنوبی، نرسیده به خیابان

آزادی، بن بست خلیلی پلاک ۱ واحد ۱

تلفن: ۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵/۰۲۱۶۶۵۶۲۳۰۶

## فهرست:

- ۳..... گفتگوی دوزن در زندگی آمیخته با سیاست
- ۶..... ۸ مارس روز جهانی زن، حقوق زنان و ممنوعیت خشونت
- ۸..... "جنبش زنان در ایران با نگاهی به اعتراضات کنونی"
- ۱۰..... توسعه پایدار زیر چتر توانمندی زنان
- ۱۱..... ۸ مارس روز جهانی زن
- ۱۲..... اشک هایست

## دیباچه

ما همچنین اذعان داریم بسیاری زنان دیگر در جهان هستند که مراتب نازل تری از حقوق و شانیت و مهر، نصیب شان می شود اما چون صدای ضعیف تری دارند کمتر از شایستگی شان، مورد توجه جهانیان قرار می گیرند و زنانی با وضعیت اندکی بهتر اما صدای رساتر، بیشتر به چشم جهان خواهند آمد. واقعیتی که زنان افغانستان از آن شکوه می کنند یا برای زنان بلوچ رخ می دهد. پس صادقانه و صمیمانه اعتراف می کنیم که هر جا از زن یا از زنانگی می گوئیم، بر تبعیض و لزوم رفع آن تاکید داریم و بی تردید بر هیچ نوع تبعیضی چشم نخواهیم بست. به امید روزی که همبستگی همه مجموعه های ستم دیده، به اعاده حقوق آنان بینجامد.

زهره رحیمی

به حرمت سالی که آوازه زنان بلندای عطفی را پشت سر گذاشت، بر آن شدیم تا ویژه نامه زنان را تقدیم مخاطبان و علاقمندان کنیم. ضمن این خدمت، اشاره به این نکته مهم نیز باید از سوی مجموعه ما صورت بپذیرد که وقتی ما از زنان، حقوق زنان و آزادی های سلب شده در قالب ویژه نامه زنان سخن می گوئیم، در واقع از تبعیض سخن می رانیم. البته که بر ما پوشیده نیست؛ پسران و مردان بسیاری در سراسر جهان و ایران هستند که بواسطه مرد بودن، مورد غفلت واقع می شوند. بسیاری از احساسات، رنج ها و نیازهای آنها هیچ انگاشته می شود. بیش از توان شان از آنها انتظار می رود و بیش از آنچه باید، بار مسئولیت بر دوش شان گذاشته می شود.

همانطور که شهروندانی با ابهامات و تنوعات جنسی و جنسیتی، تبعیضی بمراتب عمیقتر و ناخوشایندتر را تجربه می کنند. تبعیضی از جنس انکار و نفی و نادیده انگاشته شدن.

# گفتگوی دوزن در زندگی آمیخته با سیاست

درنگی خوش، با خانم خدیجه کریمی همسر دکتر احمد حکیمی پور



زهره رحیمی

RAHIMI\_ZOZO2003@yahoo.com

همدمی و همراهی با ایشان راه پرتلاطم و سختی را تجربه کنم و از همان اول بجای چالش و تنش، نرمش و صبوری را در پیش گرفتیم ولی به نظرم بهتر است مردان سیاسی اگر تصمیم دارند از دواج کنند خودخواهی را کنار بگذارند و همسر خود را از میان زنان سیاستمدار و یا از خانواده‌های سیاسی انتخاب کنند."

همان طور که از لحن صمیمی و بی‌پیرایه خانم کریمی لذت می‌بردم، لازم دیدم که نکاتی را در همراهی و تأیید ایشان مطرح کنم. اینکه با توجه به میزان تعلق و دلبستگی تشکیلاتی، اعضا دسته‌بندی می‌شوند. اینکه بخشی از ساعات روز یک عضو صرف امور حزب می‌شود یا اینکه در طی ماه، زمانی را به آن اختصاص می‌دهند. اینکه نقش یک عضو کم‌انگیزه را در تشکیلات ایفا می‌کنند یا تمام ابعاد فکری، مالی، میدانی و سازمانی و سیاست‌گذارانه در یک تشکیلات، آنها را درگیر خود کرده، دو شکل بسیار متفاوت از مشغله را ترسیم می‌کند. سپهر زندگی خانم کریمی با همسری در جایگاه دبیر کلی، تقریباً تمام ساعات و ابعاد زندگی ایشان و خانواده وی را آمیخته با تشکیلات و سیاست کرده است. پس امیدوارم در تابلویی که خواننده از روزمره‌های او در ذهن خود ترسیم می‌کند، این ازدحام و غلظت را رعایت کند. از این دوست نازنین می‌خواهم تا از یک احساس صحبت کند، اینکه زندگی مشترک با یک فعال سیاسی، با این میزان از مشغله و مسئولیت، او را به سیاست علاقه‌مند کرده یا بیزار؟

زهره رحیمی هستم از اعضای حزب اراده ملت ایران که از سال ۱۳۹۲ در این تشکیلات مشغول و دل‌مشغول آموزش و کنش‌ام‌طی تماسی با خانم خدیجه کریمی عزیز همسر دبیر کل حزب هم‌صحبت می‌شوم. بر او که از زمره زنان بزرگ اما گمنام سرزمینمان است، درود می‌فرستم. گمنام از این خاطر که از یک سو به خاطر هژمونی مَغرض و نا منصف رسانه‌ای و از سوی عمیق‌تر، به سبب باگ‌های بنیادی و ناپذیرفتنی که در نظام ارزش‌گذاری و هنجاری ما وجود دارند. سال‌هاست، دغدغه پرداختن به زندگی روزانه فعالین حزبی را دارم. زندگی‌هایی که بخش اعظم آن وامدار حضور فداکارانه و سایه‌های بخشنده‌ای است که به نظر در پشت‌صحنه ایفای نقش می‌کنند، اما در واقع بازی روی صحنه مدیون آنهاست. منظورم زندگی همسران یا اعضای خانواده یا تمام افرادی است که به نوعی با فعالین حزبی، در زیستی مشترک و خانوادگی به سر می‌برند. این افتخار نصیب شد تا با همسر احمد حکیمی پور دبیر کل حزب اراده ملت ایران دمی از زندگی و چالش‌هایش را بگوش بنشینم. احمد حکیمی پور، یک فعال سیاسی حزبی است که علی‌رغم تمام جان‌فروسی‌ها و دشواری‌هایی که بر هیچ‌جان آگاهی، پوشیده نیست، در مسیر کنش حزبی در ایران آن‌هم مزین به پیراستگی، استقلال، مدارا و پایداری نزدیک به چهار دهه حضور داشته‌اند و خانم خدیجه کریمی اکثر این سال‌ها را کنار و همراهش بودند. از ایشان اجازه خواستم تا در نخستین پرسش‌م به این محور بپردازیم که همسر یک فعال حزبی بودن در جایگاهی مشابه آنچه دکتر حکیمی پور در آن قرار دارد، چگونه تصویری است.

خانم کریمی پاسخ می‌دهد که قبل از ازدواج با توجه به شرایط زندگی و رشته تحصیلی (یکی از رشته‌های پیراپزشکی) هیچ آشنایی با عالم سیاست نداشته‌است. بعد از یک سال از ازدواجشان، دکتر حکیمی پور به‌عنوان نماینده مردم زنجان انتخاب شدند و در کنار تمامی دغدغه‌های نمایندگی و عضویت در گروه‌های مختلف سیاسی، در دانشگاه هم تدریس می‌کردند و هم‌زمان مدیرمسئول هفته‌نامه امید زنجان هم بودند. حکیمی پور فقط در روزهایی که مجلس جلسه داشتند در تهران به سر می‌بردند و در سایر روزها در زنجان حضور داشتند. خانم کریمی هم بعد از اتمام دوره تحصیل در سال ۷۱ تا سال ۱۳۷۶ به امور خانه‌داری مشغول بودند و صاحب دو فرزند شدند. خانم کریمی افزود: [ل]چه‌داری از یک طرف و عدم حضور همسر در اکثر ساعات روز از طرف دیگر مرا به این فکر واداشت که دنبال اشتغال و حضور در اجتماع باشم. طی این مدت دریافتم که همسر یک مرد سیاستمدار بودن اصلاً ساده نیست و باید بیشتر روی توانایی خودم در زندگی حساب باز کنم. تقریباً همه‌ی امور مربوط

خانم کریمی در ابتدای پاسخ خود پس از درود و ادای احترام به مخاطبان گفتند: "قبل از هر چیزی از سرکار خانم رحیمی به خاطر انجام این مصاحبه تشکر می‌کنم، امیدوارم تجربه زیستی من ارزش مطالعه برای خوانندگان دو هفته‌نامه اراده ملت را داشته باشد. من کریمی هستم ۵۵ ساله متولد رودسر که در سال ۱۳۶۹ با آقای حکیمی پور ازدواج کردم و دارای سه فرزند هستم. پس از ازدواج ادامه تحصیل دادم و با مدرک کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی در مرکز آمار ایران کار کردم و در حال حاضر بازنشسته‌ام. در ابتدا برایم سخت بود در شرایطی که به حضور و کمک ایشان نیاز داشتم حزب و فعالیت حزبی در اولویت قرار داشت، حزب در واقع یک عضو ویژه از خانواده ما بود، با ما هم‌خرج بود و بخشی از درآمد زندگی ما صرف حزب و فعالیت‌های حزبی می‌شد. اما به مرور زمان، شرایط را بالاچار پذیرفتم و قبول کردم که حزب و فعالیت‌های سیاسی ایشان در رأس امور هست و مابقی امور در اولویت‌های بعدی قرار دارند و من باید در



دو هفته نامه غیربرخط اراده ملت

**ویژه نامه**  
**زنان**

ویژه نامه شماره ۱  
ضمیمه نشریه ۵۹  
۲۴ اسفند ماه سال ۱۴۰۱



دو هفته نامه غیربرخط اراده ملت

ویژه نامه  
زنان

ویژه نامه شماره ۱

ضمیمه نشریه ۵۹

۲۴ اسفند ماه سال ۱۴۰۱

به فرزندان و خانه، برعهده‌ی من بود و همیشه آرزو می‌کردم که در انتخابات بعدی رأی نیابود، غافل از این که راهی که واردش شده بودیم با اتمام دوره نمایندگی تمام‌شدنی نبود.



در میان پاسخ‌های صادقانه خانم کریمی این جمله به نوع خاصی توجه مرا جلب کرد. «بچه‌داری و عدم حضور همسر در اکثر ساعات روز مرا به این فکر واداشت که دنبال اشتغال و حضور در اجتماع باشم». از این جمله، نباید ساده گذشت. چراکه نشان می‌دهد، علی‌رغم افزایش فشارها در زندگی، روش مواجهه ایشان، پذیرش چالش بیشتر در مسیر توانمندتر شدن بوده است؛ لذا ضمن تبریک و خسته نباشید خدمت دوست گرمی‌ام، به ایشان عرض کردم که شاید خیلی هم لازم نباشد تا همسر یک فعال سیاسی، حتما خودش یک فعال سیاسی باشد. مهم این است که اندیشه و منش پویا، در تعامل با زیست روزانه و پیرامونش در پیش بگیرد. به‌هر حال اگر بخواهم از این پرسش هم یک جمع‌بندی خدمت خوانندگان داشته باشم، این‌گونه می‌نویسم که باتوجه‌به شناخت و ارتباطی که مدتی است با خانم کریمی پیدا کرده‌ام، دریافتم این است که ایشان سیاست را حتی در حالات مزاحم و ناخوشایندش، امری گریزناپذیر و الزامی می‌داند و این اجتناب‌ناپذیری، اگر او را به علاقه‌مندی نکشاند، دستکم روادارش کرده است تا بیزار. در ادامه صحبت‌م با خانم کریمی، مطرح کردم که در جوامعی باسهم برابر و تشویق‌کننده برای زنان، حضور و فعالیت و اخبار مربوط به زنانی با همسران سیاستمدار، به مراتب پررنگ‌تر و پرشورتر در جامعه مطرح است. نقش بسیاری از زنان یا حتی مردانی که همسر سیاستمداران هستند، از سوی مردم رصد می‌شود. پس چرا در ایران، نقش بی‌بدیل همسر فعالین سیاسی و حزبی این چنین غریبانه از نظر عموم، حتی خودسیاسیون مرد، پنهان مانده است؟

خانم کریمی در پاسخ به این پرسش اشاره کردند که جز تعداد معدودی از سیاسیون، اکثر آنها یا همسرانشان خانه‌دار هستند و یا نهایت شاغل در یکی از سازمان‌ها که هم‌زمان در کنار خانواده‌اند و باعث شده که سیاسیون، مدام از حمایت خانواده برخوردار بودند و خلا حضور آنان را احساس نکردند. به نظر ایشان، این غفلت عمومی به این خاطر است که از نظر این آقایان، فقط مجموع فعالیت‌ها و تلاش‌های خودشان مهم است و از این فرصتی که به آنان داده می‌شود تا بدون دغدغه‌ی خانه و فرزندان، تا هر ساعتی از شبانه‌روز

که مایل‌اند، در بیرون از خانه باشند، غافل شدند. مردانه بودن فعالیت سیاسی برای مردان یک امر مسلج بوده و حق و سهم خود می‌دانند. عدم حضور همسران سیاسیون در گردهمایی و نشست‌های عمومی که اغلب به‌تنهایی در آن حضور داشتند از یک طرف، و ضعف خودباوری زنان و عدم صحبت در مورد نقش و سهم آنان از موفقیت همسرانشان از طرف دیگر، سبب مغفول ماندن نقش بی‌بدیل این زنان شده است.

ضمن تشکر بابت پاسخ صریحی که خانم کریمی مطرح کردند من نیز نکاتی را لازم به تأکید می‌دانم. اینکه از یک‌سو گفتمان حاکمی وجود دارد، سپهر سیاسی کلان و خردی و یک‌سری خرده‌فرهنگ‌ها که همگی می‌توانند علیه معرفی و ظهور و بروز چنین زنانی دست‌به‌دست هم بدهند. ممکن است حتی، برنامه مدون یا توافق نوشته‌شده‌ای برای تعمد بر این نادیده‌انگاشتن در کار نباشد اما مجموعه مولفه‌های جاری و رایج، پیامدی جز وضعیت کنونی را رقم نمی‌زند. جامعه آن هنگام به پدیده‌ای حساسیت نشان می‌دهد و آن را دنبال می‌کند که یا برایش سودی دارد یا در زندگی او مهم است و یا از بیرون برایش مهم جلوه داده می‌شود و یا عواطف او نسبت به آن پدیده، مدام برانگیخته می‌شود. چنانچه مجهز به شناخت دقیق سپهر تحزب و تشکیلات سیاسی نباشیم، از اجزا و عناصر آن و از اهمیت مناسباتی که در بین اعضایش می‌گذرد نیز بی‌خبریم. اینجاست که بسیاری از ظرائف در عین اهمیتش، به حاشیه و محاق می‌رود. در عین حال در سمت‌وسویی که رسانه‌ها القا می‌کنند و محورهایی که ذهن و خواست ما را به آنها هدایت می‌کنند، جایی برای دغدغه‌ی این شناسایی‌ها و این اشارات نیست. از نگاه آنان مسائلی مثل سوتی‌های رقبای سیاسی یا متلک‌های یک مجری خبری، به نظر مهم‌تر و جذاب‌تر از چالش‌های زندگی شخصی یک عضو تمام‌قد حزبی است! تلخ‌تر قسمت ماجرا اینکه حتی در درون یک تشکیلات نیز، متناسب با شأنیت و جایگاه این مسئله به آن پرداخته نمی‌شود و این به‌نوعی ریشه چنین غفلت‌هایی است.



باتوجه‌به این حضور خاموش و بی‌ادعا، از خانم کریمی خواستم تا در خصوص انتظارات خودشان و دیگر زنانی که همسر فعالین سیاسی و حزبی هستند، صحبت کنند.

ایشان خیلی کوتاه و فروتنانه پاسخ دادند که انتظار این است تا این کنشگران، در تمامی مسیرهای طی شده در کنار همسران خود



حضور پررنگ داشته باشند. در انظار عمومی نه فقط به عنوان یک سیاستمدار بلکه به عنوان همراه و پشتیبان همسر خویش ظاهر شوند. به آنها مجال صحبت کردن و دیده شدن داده شود. سیاستمداران باید که در جهت شکوفایی همسران خود تلاش کنند و قدردان فروتنی و از خودگذشتگی همسران باشند.

در ادامه گفتگویم با خانم کریمی ابراز خرسندی کردم که در دو هفته نامه اراده ملت این فرصت برای بیان چنین موضوعاتی فراهم شده. به طور ویژه این گفتگوها نیازمند پیش شرطهایی چون انعطاف پذیری و شفافیت و شکیبایی افرادی است که اجازه می دهند وارد حریم خصوصی و شخصی ایشان شد و در مورد مناسبات و افکار آنها بی پرده سخن گفت. در ایران مگر اینکه افراد به شکل زوج در کنش سیاسی مشغول باشند، وگرنه در موارد بسیار معدود و انگشت شماری در خصوص همسران سیاسیون و انتظارات ایشان سخن به میان می آید. از این رو مستقیم از خانم کریمی و غیر مستقیم از دکتر حکیمی پور بابت امکان این صحبت های صمیمی تقدیر می کنیم و آرزو مندیم که موجب تلنگری به افکار فعالین سیاسی و حزبی شود تا آن گونه که در شأنیت و جایگاه پشتیبانان خانوادگی کنشگران هست، به انتظارات ایشان توجه شود. در قسمت های بالا مطرح شد که چالش های مکرر و مداوم می تواند برخی زنان را به مسیر توانمندتر شدن هدایت کند و به سمت انتخاب های جدیدی ببرد که دانش و مهارت و تجارب زیسته ایشان را افزایش دهند. اما یک تفاوت ظریف هم هست که می تواند در کمین باشد. آن هم اینکه این رفتن ها و این تغییر کردن ها، صرفاً یک راه گریز از هجوم چالش ها و تنش های زندگی باشد، بی آنکه همخوانی و سازگاری لازم را با روحیات و خلقیات ما داشته باشند. خانم کریمی نیز احتمالاً مکرر و متعدد مجبور به سازگاری و پذیرش اتفاقات و رویدادهایی می شدند که شاید برایشان آماده نبودند. اینکه از بخشی از پس انداز خود برای امور حزبی بگذرند. اینکه یک سفر از پیش طراحی شده را کنسل کنند. در روزهای مهم زندگی، جای خالی همسر را در مراسم و میهمانی ها پوشش بدهند. اخبار سیاسی رسانه ها و اسناد تشکیلاتی، اندک زمان مشترک با همسر را نیز بر باید. آرامش و فراغت در ساعات شبانه منزل، آمیخته با تنش های تشکیلاتی شود. و تماس های مکرر به تلفن همسر، در ساعات تفریح و سرگرمی خانواده به مزاحم ترین و ناخواسته ترین پدیده بدل شود و غوغای

آشفته بازار سیاست، یک دم دست از سر زندگی برندارد. با این تفسیر، تجربه ی چنین زیست آمیخته با سیاستی در ایران، که مملو است از حضور های ناخواسته و حوادث غیر مترقبه، سرشار از رویدادهای نامتعارف و تحمیلی، انسان را از خود بیگانه می کند یا برعکس موجب می شود تا ارتباط عمیق تری با خود واقعی مان برقرار کنیم؟

خانم کریمی در خصوص این پرسش چنین نظری دادند که در اوایل این روند، موجب تضعیف روحیه و عدم اعتماد به نفس شده بود اما خیلی زود دریافتم که در وجود تمناهای دیگری هم غیر از آنچه به طور عادی به آن می پرداختم هست و باید شکوفایشان کنم، برای مثال تلاش های زیادی کردم تا در کنار نقش های متعددی که زندگی بر ما تحمیل می کند در اجتماع هم حضور داشته باشم. برای من توأم با خودشناسی بیشتر بود.

آخرین پرسش ما در این گفتگو مرتبط با زنان دیگر جامعه بود. پرسیدم که در مقایسه با زنان دیگر که ارتباط مشخصی با دنیای سیاست ندارند، نگاه و دریافت زنان از سیاست را چطور ارزیابی می کنید؟ ایشان در این باره گفت: خوشبختانه هر روز بر تعداد زنانی که مطالبه گر هستند افزوده می شود. زنان به مسائل و مشکلات جامعه آگاهی دارند علت و بروز مشکلات را بررسی می کنند به راه حل های مشکلات فکر می کنند و در جمع دوستان و خانواده زمانی را به بحث در مورد مسائل کشور اختصاص می دهند. من بسیار امیدوارم به این که در آینده، کشور عزیزمان ایران توسط زنان و مردان غیر تمند و دلسوز دوباره آباد خواهد شد.

در پایان این گفتگوی صمیمی اظهار امیدواری می کنم که در فرصت های بعدی، امکان انتقال تجارب بیشتر و جزئی تری به زنانی در موقعیت های مشابه یا غیر مشابه فراهم شود. از حضور استوار و مهربان ایشان قدر دانی کردم و به نمایندگی از خانواده حزب اراده ملت ایران به این حضور، اظهار افتخار نمودم. همین طور برای چند دهه همراهی با دبیر کل محترم تشکیلاتمان، خاضعانه از ایشان و دیگر اعضای خانواده محترم و بزرگوار ایشان تقدیر نمودم. امیدوارم این گزارش بابتی بگشاید تا زندگی و رنج و تلاش زنان پشت صحنه سیاست، بیشتر مورد احترام و عنایت قرار بگیرد.



دو هفته نامه غیر برخط اراده ملت

ویژه نامه زنان

ویژه نامه شماره ۱  
ضمیمه نشریه ۵۹  
۲۴ اسفند ماه سال ۱۴۰۱

# ۸ مارس روز جهانی زن، حقوق زنان و ممنوعیت خشونت



محمد مهدی احدیان



دو هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

ویژه نامه  
زنان

ویژه نامه شماره ۱

ضمیمه نشریه ۵۹

۲۴ اسفند ماه سال ۱۴۰۱

مقرر شد یک روز به عنوان روز جهانی زن برای برابری حقوق شغلی و آموزشی، و حق رای زنان تعیین شود. یک سال بعد این ایده چنان گسترش عمومی یافته بود که در کشورهای اروپایی بویژه در آلمان و همسایگانش راهپیمایی‌های بزرگی برای کسب حقوق برابر شغلی زنان و حق رای برگزار شد. برگزاری اتفاقی اولین مراسم روز زن در روز ۸ مارس ۱۹۱۴ در آلمان برای کسب حق رای و سپس راهپیمایی نان و صلح زنان روسیه در ۸ مارس ۱۹۱۷ (به گاهشماری قدیم روسیه) که باعث استعفای تزار و مقدمه‌ای برای انقلاب اکتبر شد باعث ماندگاری روز ۸ مارس و ارجاع به این روز در سال‌های بعد شد، به گونه‌ای که بعدها روز ۸ مارس در روسیه کمونیستی و کشورهای بلوک شرق روز زن و تعطیل ملی شناخته شد. موج اول جنبش‌های فمینیستی در غرب، باعث کسب حق رای برای زنان در کشورهای مختلف شد اما جنگ‌های جهانی اول و دوم از ۱۹۱۴ تا ۱۹۴۵ این موج را متوقف ساخت. با این حال، جنگ‌های جهانی باعث مشارکت بیشتر زنان در نقش‌های سنتی مردانه شد و افکار سنتی را بیش از پیش به نفع برابری حقوقی زنان تغییر داد. پیدایش موج دوم جنبش‌های فمینیستی در دهه ۶۰ میلادی

انسان‌ها به صرف انسان بودن واجد حقوقی فردی و اجتماعی هستند که از بدو تولد برایشان به رسمیت شناخته شده است و بخشی از آنها در اعلامیه‌های سازمان ملل متحد به تصویب جهانی رسیده و مشهور هستند. اما در کشورهای مختلف در کسب این حقوق به زنان بیش از مردان ستم می‌شود. آنچه که جنسیت نامیده می‌شود و امری اجتماعی - فرهنگی است و نه زیست شناختی، موجب این ستم و پیدایش نابرابری است. از جمله حقوق مورد ستم و تبعیض زنان می‌توان حق خودمختاری بر بدن خویش، حق رای، حق کار، حق استقلال، حق دستمزد برابر برای کار برابر، حق مالکیت بر دارایی خویش، حق ارث، حق تحصیل و کسب انواع مهارت‌ها، حقوق سرپرستی فرزندان، ازدواج و طلاق، و نیز آزادی‌های فرهنگی و عقیدتی را نام برد.

ایده تعیین یک روز معین و اختصاص آن به زنان، پس از گسترش حرکت‌های مطالبه‌گر حقوق زنان و جنبش‌های کارگری عدالت‌طلبانه اواخر قرن ۱۹ و آغاز قرن بیستم در آمریکای شمالی و اروپا پدید آمد. نخستین مراسم روز زن در ۱۹۰۹ در آمریکا برگزار شده بود. در کنگره جهانی سال ۱۹۱۰ سوسیالیست‌ها در دانمارک،

در اروپا، باعث گسترش نقش اجتماعی زنان و آزادی‌های حقوقی و کاهش تبعیضات جنسیتی شد. در همین راستا در اروپا مجدداً روز زن در دهه ۷۰ میلادی و از سال ۱۹۷۵ توسط سازمان ملل متحد مورد توجه قرار گرفت. سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۷ روز ۸ مارس را رسماً "روز جهانی توجه به حقوق زنان و صلح جهانی" نامگذاری کرد و از آن پس این روز گرامی داشته می‌شود. روز ۸ مارس از دهه ۸۰ خورشیدی در ایران نیز مورد توجه کنشگران مدنی و فعالان حقوق زن قرار گرفته است. برگزاری گسترده مراسم یکصدمین سال روز جهانی زن در سال ۲۰۱۱ در کشورهای جهان، باعث توجه مجدد به حقوق زنان در سراسر جهان شد.

### توجه سازمان ملل متحد به موضوع خشونت علیه زنان

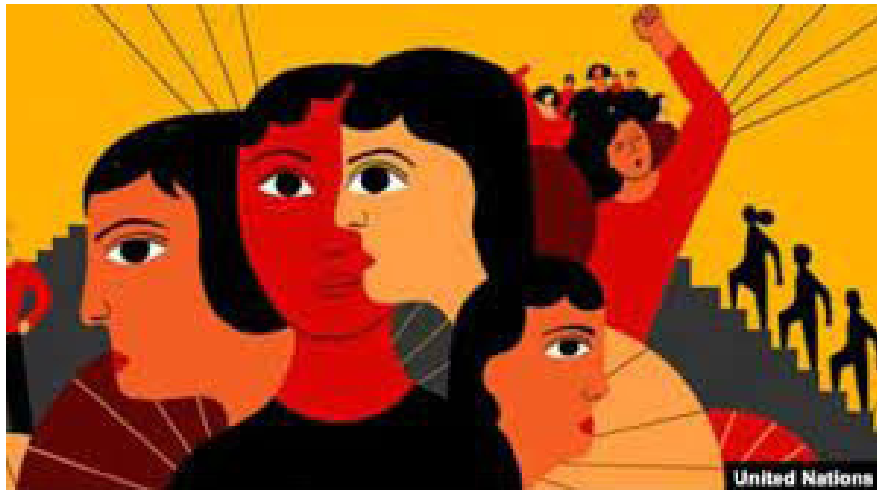
کوشش‌های جهانی برای رفع تبعیض و کسب حقوق زنان از قرن ۱۹ آغاز شد. شورای بین‌المللی زنان نخستین سازمان غیر دولتی بین‌المللی بود که در سال ۱۸۸۸ به نمایندگی از ۵۳ سازمان زنان از ۹ کشور تشکیل شد و امروز در وضعیت منشورتنی برای شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل در بالاترین سطح قرار دارد و ۷۰ کشور عضو آن هستند. پس از جنگ جهانی دوم، اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب سال ۱۹۴۸ بر "حقوق برابر زن و مرد" تأکید کرد. در سال ۱۹۷۹ در مجمع عمومی سازمان ملل، اعلامیه "رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان" تصویب شد. این اعلامیه که منشور حقوق زنان توصیف می‌شود، در سال ۱۹۸۱ لازم الاجرا شد. با این حال ایران از معدود کشورهایی است که آن را نپذیرفته است. این منشور هرگونه تمایز، محدودیت یا محرومیتی که بر پایه جنسیت ایجاد شود را ممنوع نموده و بر آزادی‌های اساسی زنان در زمینه‌های گوناگون تأکید دارد و کشورهای عضو را موظف نموده است تا برابری جنسیتی را در قوانین داخلی خود قید نموده، قوانین تبعیض آمیز را لغو نمایند، و برای محافظت از زنان در برابر تبعیضات، قوانین لازم را وضع نموده و دادگاه‌هایشان این برابری‌ها را تضمین نمایند.

در دهه‌های اخیر، سازمان ملل متحد و صلیب سرخ جهانی توجه جامعه جهانی را متوجه خشونت علیه زنان به اشکال مختلف و حقوق زنان آواره در جنگ‌ها، زنان زندانی، زنان همسر و فرزند از دست داده، توانمندسازی زنان و کوشش برای برابری‌سازی حقوق زنان نموده‌اند. اعلامیه "منع خشونت علیه زنان" مصوب سال ۱۹۹۳ توسط سازمان ملل، خشونت علیه زنان را اینگونه تعریف کرده است: "هر گونه اقدام خشونت‌آمیز جنسیتی که منجر به، یا ممکن است منجر به آسیب جسمی، جنسی یا روانی شود، از جمله تهدید به چنین اعمالی، و نیز سلب اجباری یا قراردادی آزادی، که چه در زندگی عمومی چه

زندگی خصوصی رخ دهد". بر اساس این اعلامیه، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۹، روز ۲۵ نوامبر هر سال را "روز جهانی پایان دادن به خشونت علیه زنان" نامگذاری نموده است. بنا بر این اعلامیه هرگونه خشونت جسمی، جنسی یا روانی در خانه یا جامعه یا توسط دولت از جمله تهدید، آزار و اذیت و ارباب، کتک زدن، تجاوز، سو استفاده جنسی ولو در ازدواج، ازدواج اجباری، استثمار و کار اجباری علیه زنان ممنوع است اما انواع خشونت محدود به این موارد نخواهد بود.

بنا بر حکم دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا در سال ۱۹۹۸ که توسط سازمان ملل برقرار شد، تجاوز جنسی اجباری یا تجاوز به عنف که جرمی مدنی تلقی می‌شود، در صورتی که سازمان یافته باشد، جنایت علیه بشریت و همچنین جنایت جنگی شناخته می‌شود. علاوه بر آن، اگر تجاوز به عنف به قصد نابودی کلی یا جزئی یک گروه هدف انجام شده باشد، جنایت نسل‌کشی نیز شناخته می‌شود و همه این موارد قابل تعقیب در دادگاه بین‌المللی کیفری است. در همین راستا، قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل مصوب سال ۲۰۰۰ همه دولت‌ها را موظف به حمایت از زنان و دختران در درگیری‌های مسلحانه نموده است. همچنین کنوانسیون شورای اروپا درباره "پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان و خشونت خانگی" که به کنوانسیون استانبول نیز معروف است، از سال ۲۰۱۴ در اکثر کشورهای اروپایی چتر حمایتی برای زنان در برابر خشونت ایجاد کرده است. موضوع اصلی روز جهانی زن در سال ۲۰۱۳ در سازمان ملل و یونسکو، خشونت علیه دختران برای ممانعت از حضور آنان در مدارس بود؛ آنچه که در ایران و افغانستان نیز اهمیت دارد.

در طول اپیدمی کرونا در جهان، سازمان ملل بر اهمیت و تأثیراتی که زنان به عنوان کادر بهداشت و درمان در سراسر جهان داشتند تأکید کرد. با این حال، پس از گذشت یکصد و پنجاه سال از جنبش‌های رفع تبعیض و حرکت‌های زنان برای کسب حقوق برابر در جهان، آمارها نشان می‌دهند که سهم زنان از درآمد جهانی بسیار کمتر از مردان است، کار خانگی بدون دستمزد است و دستمزد زنان در خارج از خانه کمتر از مردان است. بی‌سوادی جهانی در زنان دو برابر مردان است و زنان مشارکت سیاسی ناچیزی در کشورهای مختلف دارند. زنان به دلایل جنسیتی، بسیار سهل‌تر از آنچه بر مردان می‌رود، قربانی خشونت جسمی و تجاوز جنسی می‌شوند و حقوق زنان به طرق مختلف در جای‌جای جهان نادیده گرفته شده یا سرکوب می‌شود. به همین دلایل است که روز ۸ مارس و ۲۵ نوامبر به عنوان روزهایی خاص برای توجه جهانی به حقوق زنان و رفع تبعیضات جنسیتی و خشونت علیه آنان اهمیت دارد.



دو هفته نامه غیربرخط اراده ملت

### ویژه نامه زنان

ویژه نامه شماره ۱

ضمیمه نشریه ۵۹

۲۴ اسفند ماه سال ۱۴۰۱

## گزارشی از نشست

# «جنبش زنان در ایران بانگاهی به اعتراضات کنونی»



فاطمه قدم

fatemehghadam56@gmail.com

راهی که برای همه زنان از هر قشر و گروهی هموار بوده است و آنان نیز از آن استقبال می کنند نام برد. این استقبال به حدی بود که در دهه ۸۰ نسبت زنان به مردان در دانشگاه بیشتر می شود، سیاست سهمیه بندی جنسیتی رشته های دانشگاهی روی کار می آید. یعنی مسیری که به شکل طبیعی به زنان فرصت حضور در عرصه عمومی می داد، اما اکنون با مانعی جنسیتی برای رشته هایی که موقعیت اقتصادی و اجتماعی مناسبی داشتند، روبه رو می شود و مسیر تحصیل آنها به سمت رشته هایی که ادامه وظایف زنانه تعریف می شوند، هدایت می شود.

وی در ادامه درباره تحصیلات و وضعیت اقتصادی زنان یادآوری کرد که زنان به واسطه تحصیل می توانند شهر خود را تغییر دهند در نتیجه در موقعیت اجتماعی تازه ای قرار می گیرند و می توانند تحرک طبقاتی را به واسطه ایجاد امکان اشتغال برای خود به وجود بیاورند. اما جنس مخالف بدون تحصیلات حتی اگر در موقعیت طبقاتی فرودست باشد از امکانات تحصیلی، اقتصادی و اشتغالی بیشتر برخوردار خواهد بود؛

روز دوشنبه اول اسفند ۱۴۰۱ نشستی در مؤسسه رحمان در خصوص «جنبش زنان در ایران بانگاهی به اعتراضات کنونی» با حضور فاطمه صادقی، پژوهشگر و فعال حقوق زنان و نفیسه آزاد، جامعه شناس برگزار شد. در این شماره نشریه اراده ملت گزارشی از این نشست تقدیم شما می گردد.

چرا زنان ایرانی اعتراض می کنند؟ چه چیزی برای اعتراض وجود دارد؟ مگر غیر این است که بستر برای تحصیل آنان تا مدارج عالییه ادامه دارد و برخی از آنان نیز کار و فعالیت های اقتصادی دارند و از حق حضور در عرصه عمومی محروم نیستند و شرایط طالبانیسم هم بر آنان حاکم نیست، پس حرف حساب آنها چیست؟

خالی بودن سبدهای سرمایه ای زنان  
 نفیسه آزاد، در خصوص علت خشم و اعتراض زنان ایرانی گفت که زنان ایرانی همواره در حال مقاومت پیچیده و چندلایه در برابر نوعی قدرت هستند، اما این مقاومت چه ریشه ای دارد؟ او تحصیل را تنها



دو هفته نامه غیر برخط اراده ملت

ویژه نامه  
زنان

ویژه نامه شماره ۱

ضمیمه نشریه ۵۹

۲۴ اسفند ماه سال ۱۴۰۱





سال‌های اخیر تنگ کردن دایره اعمال قدرت بر زنان تا حدی زیاد شد که در جریان اعتراضات اخیر، مهسا امینی که در هیچ کدام از بسترهای فرهنگی ما عمل غیراخلاقی مرتکب نشده بود و حجاب نامتعارفی نداشت، از این دایره به بیرون می‌افتد. ه این نگرش به تشدید تنش کمک می‌کند. در نهایت این سیاست‌ها تنها ابعاد کلان دولتی ندارند و موضوع فقط سیاست‌گذاری از بالا به پایین نیست بلکه وضعیت تبعیض آمیز زنان در جامعه ایران متحدان اجتماعی دارد.

در پایان نفیسه آزاد درباره آنچه زنان در زندگی روزمره تجربه می‌کنند، می‌گوید: «خاصیت خود تنظیم‌گری جامعه به دلیل مداخلات شدید سیاست‌گذار در موضوع زنان و نسبت‌های جنسیتی از بین رفته است. جامعه عاملیت و قابلیت خود تنظیم‌گری دارد و می‌تواند تنش‌های خود را رفع کند و تنها در این صورت است که وضعیت قانون نسبت به زنان می‌تواند عادلانه باشد. اما امروز جامعه درگیر چالش‌ها و قالب‌هایی است که خود عامل به وجود آورنده آن نبوده و به طور مداوم در دور باطل سیاست‌گذاری‌های معیوب درباره وضعیت زنان است. این در حالی است که آمارهای عینی از حرکت همواره زنان جامعه در مسیری مخالف سیاست‌گذاری‌ها حکایت دارند.»

فاطمه صادقی، در تحلیل و ریشه‌یابی اعتراضات زنان این گونه بیان می‌دارند که زنان طبقه فرودست در تلاش برای مرئی شدن و گذر از زیست غیررسمی که آنها را به حاشیه می‌راند، هستند. حضور زنان به‌ویژه از طبقه فرودست در جامعه امروز برابر گذر از نامرئی بودن است. همچنین درباره خطای تحلیل وضعیت اجتماعی زنان در ایران تأکید می‌کند که این تلقی در مطالعات علوم اجتماعی ایران که زنان طبقه و گروه‌های خاصی هستند، خطاست. زیرا زنان در همه طبقات و گروه‌های اجتماعی مختلف، حضور دارند. به بیان دیگر تحلیل وضعیت زنان در علوم اجتماعی در ایران با خطایی روبه‌روست که زنان طبقه فرودست که از نظر دسترسی به امکانات، توانایی، نوع کنشگری اجتماعی و سیاسی با زن طبقه متوسط متفاوت‌اند را ذیل یک زیرمجموعه قرار می‌دهد. بعضی نیز وضعیت زن فرودست را فقط از جهت فرودستی او بررسی می‌کند که این هم گاهی منجر به اطلاق الگوهایی بر زنان می‌شود که برای مرد طبقه فرودست که اجازه دسترسی به امکانات و فعالیت‌های اقتصادی را دارد، صادق است. در پایان این پژوهشگر حوزه زنان تأکید می‌کند که ابعاد اجتماعی و جنسیتی مختلفی بر موقعیت حضور زنان در جامعه تأثیرگذار است که در تشریح جایگاه آنها در جامعه باید به آن توجه شود.

بنابراین در جامعه‌ای که سبدهای سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی زنان خالی است، تحصیلات می‌تواند مسیرهای تازه‌ای را برای زنان باز کند.

این جامعه‌شناس، مغالطه بر سر این که بیش از نیمی از جمعیت دانشگاه‌ها را زنان تشکیل می‌دهند گفت که این جمعیت فقط به حضور آنان در دوره کارشناسی محدود می‌شود. اگرچه ۱۵ درصد زنان تا اوایل دهه ۸۰ در آزمون‌های تحصیلات تکمیلی شرکت می‌کردند که در اواخر همین دهه آمار به بیش از ۴۰ درصد رسید. باین وجود اما سهم آنها از عضویت در هیئت‌علمی دانشگاه‌ها همان ۲۰ درصد باقی ماند؛ بنابراین سبد سرمایه‌های اقتصادی زنان خالی است و طبق آمار فقط ۲ درصد مالکیت در اقتصاد، سهم زنان و ۹۸ درصد در تملک مردان است.

آزاد در تکمیل صحبت‌هایش می‌گوید هر چند مسیر تحصیل برای زنان در ایران باز است اما طبق آمار غیررسمی، ۷۰ درصد زنان فارغ‌التحصیل بیکارند و یا شغل رسمی ندارند و فقط ۱۳ درصد آنها اشتغال رسمی دارند و از این میزان ۲ درصد به مرتبه مدیریتی دست یافته‌اند. همچنین با وجود اینکه سیاست‌های رسمی مشوق حضور اقتصادی زنان نیست، آنها در بازار غیررسمی حضور دارند و با فیلترینگ اینستاگرام به ناگهان آماری از بیکاری ۷۰ درصد زنان صاحب کسب و کار به گوش می‌رسد که از بازار رسمی اقتصاد به حاشیه رانده شده‌اند. بنابراین در شاخص اشتغال، بیکاری زنان ایرانی ۳ برابر میانگین جهانی و حتی کشورها و شهرهای هم‌عرض است. طبق همین آمار و پژوهش‌ها، با وجود اینکه زنان از همه امکاناتی که می‌توانند به آنها دسترسی داشته باشند استفاده می‌کنند، سهم آنها از درآمد اقتصادی زیر ۳۰ درصد است.

انتخاب به‌مثابه مقاومت

آزاد با اشاره به حقوق رسمی زنان در خانواده می‌گوید که زن در خانواده ایرانی، حقوق رسمی بسیار کمی دارد و جایگاه او نسبت به مرد، جایگاهی فرودست است. نداشتن حق طلاق مگر در شرایط خاصی، نداشتن ولایت بر فرزندان، نداشتن حق مسکن و اشتغال و... همه در کنار هم جایگاه زن در خانواده ایرانی را تضعیف می‌کند. او با اشاره به این وضعیت و توضیح نرخ طلاق از هر ۳ ازدواج ۱ نفر می‌گوید که با وجود همه این شرایط، زن ایرانی دیگر در هر ازدواجی نمی‌ماند، مقاومت و انتخاب می‌کند. البته که بیشتر آسیب‌های طلاق به دلیل همان سبدهای سرمایه‌ای برای زنان است اما به هر حال تغییرات اجتماعی به نحوی پیش رفته که زن ایرانی انتخاب می‌کند.

در تشریح وضعیت زنان در فضای عمومی و ریشه‌یابی جریان اعتراضات نظر این جامعه‌شناس این است که شرایط برای زنان تا کنون به نحوی بوده که گویی به دنبال سلب عاملیت است. در



دو هفته نامه غیربرخط اراده ملت

## ویژه نامه زنان

ویژه نامه شماره ۱  
ضمیمه نشریه ۵۹  
۲۴ اسفند ماه سال ۱۴۰۱



دو هفته نامه غیربرخط اراده ملت

ویژه نامه زنان

ویژه نامه شماره ۱

ضمیمه نشریه ۵۹

۲۴ اسفند ماه سال ۱۴۰۱

# توسعه پایدار زیر چتر توانمندی زنان



فاطمه امامی

Femami53@gmail.com

تهدید کاهش مواد معدنی و آلی و غیره از دست داده است. فعالان محیط زیست به سوی بازیافت و تعمیر هر چه بیشتر وسایل مصرفی پیش می روند. این آموزش ها در خانواده توسط مادر مدیریت می شود.

آگاهی زنان و پیشرفت توانمندی های آنان یکی از ارکان مهم توسعه پایدار است. کشورهایی که در آنها زنان نقش ضعیف دارند، نمی توانند در توسعه پایدار موفق شوند. آموزش زنان و توانمندی آنها راهی برای خروج از فقر فرهنگی و رسیدن به توسعه اقتصادی و استفاده بهینه از وسایل و کالاهای مصرفی و به ویژه زمان است. مدیریت مصرف برق، آب و انرژی در خانواده، چه شهری و چه روستایی، با آموزش زنان رشد بیشتری خواهد داشت و این امر مستلزم آموزش مدارس از سطح مقطع ابتدایی تا حداقل پایان دبیرستان برای دختران است. حضور آن ها در دانشگاه باعث ارتقای سطح آموزشی آنها خواهد شد که روند رشد را سریع تر خواهد کرد.

ازدواج های کودک همسری و خروج بی موقع او از مراحل آموزش، باعث خروج یک آموزشگر از خانواده و رها شدن یک خانواده بدون آموزشگر خواهد بود. و این امر تبعات منفی اجتماعی و اقتصادی برای جامعه به همراه خواهد داشت، و چنین مواردی باعث دور شدن از مسیر توسعه پایدار در کشور خواهد شد.

عدم احترام و ندادن حقوق اجتماعی و سیاسی به زنان و دختران، آسیب های اجتماعی و اقتصادی و محیط زیستی به جامعه وارد خواهد کرد. خانواده ای که مادری قدرتمند از نظر آموزشی و آگاهی داشته باشد بهترین تربیت را در فرزندان آن خانواده چه از نظر شغلی، چه از نظر مدیریت درآمد و چه از نظر مسئولیت اجتماعی شاهد خواهیم بود. این مسئله تبعات مثبتی در جامعه ایجاد خواهد کرد. مسئولیت اجتماعی در این فرزندان به این صورت تقویت خواهد شد که مسئولیت پذیری در مورد وسایل مصرفی و انرژی و آب و ... را در آنها شاهد خواهیم بود و همچنین مسئولیت اقتصادی را با

مدیریت مادر در خصوص نحوه خرید، نوع خرید، نوع برخورد با مسائل را در حریم خانواده خواهند آموخت. البته در خانواده ها خرید ممکن است توسط پدر انجام شود ولی مادر نحوه مصرف و نوع کالا و برند را مدیریت خواهد کرد. نحوه ی برخورد با این مسائل ارتباط مستقیم با آگاهی مادر در خانواده دارد.

پس کشوری که زنان آگاه و با مطالعه و با اعتماد به نفس بیشتری داشته باشد، کشوری است که در مسیر توسعه پایدار قرار گرفته است. فقر فرهنگی مادر، فقر فرهنگی خانواده و اجتماع را ایجاد خواهد کرد که در راستای فقر اقتصادی پیش خواهد رفت و از توسعه پایدار و رشد متوازن فاصله خواهیم گرفت.



از دیرباز به این مفهوم رسیدیم که در محیط خانواده مدیریت همه چیز بر عهده ی زن است. مدیریت مصرف، نوع مصرف، نحوه ی مصرف با او می باشد و لازمه ی آن ایجاد آگاهی و ایجاد زمینه های آموزشی و تحصیلی بسیار عالی برای دختران و زنان است. هر دختر در خانواده که نقش زن و مادر را داشته باشد، به عنوان آموزشگر در خانواده ایفای نقش خواهد کرد.

## کشورهایی که در آنها زنان نقش ضعیف دارند، نمی توانند در توسعه پایدار موفق شوند

زنانی که در سطح عالی و متوسطه مدارس یا دانشگاه آموزش دیده اند با ارتباط با سازمان های مردم نهاد و تحت آموزش قرار گرفتن در کمیته های تخصصی آنها و یا تأسیس این نهاد توسط خودشان می توانند در انتخاب وسایل خانگی، نحوه ی مصرف درست از نظر انرژی و پایداری آن، مصرف مواد غذایی و گیاهی و مهم ترین مبحث به عنوان دورریز؛ راهبر باشند. القای آگاهی از طرف مصرف کننده باعث تغییر مثبت در خط تولید خواهد شد.

جهان امروز با پیشرفت آگاهی به طرف مصرف بهینه محیط زیست از نظر انرژی، پایداری، کم ضرر بودن و کم مصرف بودن انرژی حرکت می کند و این امر مستلزم توانمند شدن زنان است. انتخاب آنها در لوازم خانگی و مصرفی می تواند به عنوان یک انتخاب کلیدی برای وسیله ی مصرفی و مصارف خوراکی کم ضرر و بدون مواد افزودنی و همچنین شوینده های کم ضرر، مصرف بهینه لباس و کفش و مهم تر از آن مصرف بهینه ی مواد غذایی و مدیریت درست آن باشد. پس برای جلوگیری از هدر رفتن انرژی و سوء مصرف، یک نوع مدیریت مصرف را در خانواده دیکته می کند. با توجه به شرایط بحران محیط زیستی در دنیا، دیگر شعار بیشتر مصرف کن تا چرخه اقتصاد بچرخد، معنا ندارد و این شعار ارزش معنایی خود را به دلیل

# ۸ مارس روز جهانی زن



فاطمه قدم

fatemehghadam56@gmail.com

۸ مارس روزی است که زنان جهان بدون توجه به گرایشات مختلف فکری، عقیدتی، نژادی، مذهبی و... به یادآوری موفقیت‌ها و دستاوردهایشان می‌پردازند. در حقیقت، این روز مجالی است برای نگاه کردن به گذشته در مسیر تلاش‌ها، منازعه‌ها و فعالیت‌های پیشین، و بیشتر برای نگرستن در راستای حرکت‌های پیش‌رو برای باز کردن راه در جهت شکوفایی استعدادها و فرصت‌هایی که در انتظار نسل آینده زنان است.

## علت انتخاب ۸ مارس به‌عنوان روز جهانی زن

سالانه میلیون‌ها تن زن و مرد در اقصی نقاط جهان در روز هشتم مارس با ترتیب اجتماعات و گردهمایی‌ها این روز را گرمی می‌دارند. انتخاب روز هشتم مارس به‌عنوان روز زن، به مبارزه زنان کارگر فابریکه نساجی کتان در سال ۱۸۵۷ میلادی در شهر نیویورک آمریکا برمی‌گردد. شرایط کاری سخت و غیرانسانی کارگران زن با دستمزد کم، در اوایل قرن بیستم، که همراه با مردان در کشورهای صنعتی وارد فابریکات و بازار کاری شده بودند، آنان را وادار به مبارزه سازمان‌یافته و منظم علیه این بی‌عدالتی نمود. در این روز، کارگران نساجی زن در یک کارخانه بزرگ پوشاک، در اعتراض به شرایط بسیار سخت کاری و وضعیت اقتصادی، دست به اعتصاب زدند. خاطره این اعتصاب برای کارگران فابریکه نساجی باقی ماند. ناراضی‌های عمومی از این شرایط برای زنان کارگر ادامه داشت.

## هشتم مارس سال ۱۹۰۸ میلادی:

بعد از گذشت بیش از پنجاه سال، کارگران زن کارخانه نساجی کتان در شهر نیویورک به‌منظور احیای خاطره اعتصاب این روز، که تبعیض و

محرومیت و فشار کار و حقوق بسیار کم زنان را به یاد می‌آورد، دست به اعتصاب زدند. صاحب این کارخانه به همراه نگهبانان، برای جلوگیری از همبستگی کارگران بخش‌های دیگر با اعتصابگران و عدم سرایت آن به بخش‌های دیگر، این زنان را در محل کارشان محبوس ساخت و بعداً به دلایل نامعلوم کارخانه آتش گرفت و فقط تعداد کمی از زنان توانستند از این حادثه نجات یابند و مابقی ۱۲۹ تن کارگر در این آتش سوختند. به همین دلیل، روز هشتم مارس به‌طور سنتی به نام روز مبارزه زنان علیه بی‌عدالتی و فشار علیه زنان در خاطره‌ها باقی ماند. در سال‌های بعد در کشورهای مختلف اروپایی و آمریکا مبارزه زنان به‌شکل تظاهرات و اعتصاب کاری علیه فشار، تبعیض و استعمار کاری و همین‌طور برای داشتن حقوق برابر در اجتماع ادامه پیدا کرد.

از جمله یکی از مهم‌ترین مدافعان حقوق زن در آلمان خانم کلارا زتکین (۱۸۵۷-۱۹۳۳) خواسته‌های مبارزان زن در آلمان را مبنی بر هشت ساعت کار در روز، تعطیلات ویژه در ایام زایمان و سایر حقوق، طبق قانون تقاضا کرد.

در دومین کنفرانس سوسیالیستی زنان که در آن صد زن مبارز از هفده کشور جهان شرکت داشتند، در کپنهاگ پایتخت دانمارک، در اثر پیشنهاد خانم کلارا زتکین در روز ۲۷ اگوست سال ۱۹۱۰ میلادی، روز هشتم مارس به‌عنوان روز زن و روز همبستگی برای دفاع از حقوق زنان و مبارزه در مقابل تبعیض‌های گوناگون علیه زنان برگزیده شد. در واقع می‌توان گفت آغاز حرکت برای شکل‌گیری اختصاص یک روز به زنان، ابتدا از دل فعالیت‌های اعتراضی زنان کارگر در آغاز قرن ۲۰ در آمریکای شمالی و سراسر اروپا نطفه بست:



دو هفته نامه غیربرخط اراده ملت

## ویژه نامه زنان

ویژه نامه شماره ۱

ضمیمه نشریه ۵۹

۲۴ اسفند ماه سال ۱۴۰۱

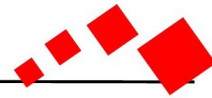


دو هفته‌نامه غیربرخط اراده ملت

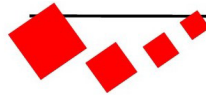
ویژه‌نامه زنان

ویژه‌نامه شماره ۱  
ضمیمه نشریه ۵۹  
۲۴ اسفند ماه سال ۱۴۰۱

۱۹۰۹: نخستین روز جهانی زن در ایالات متحده در ۲۸ فوریه ۱۹۰۹ برپا شد. حزب سوسیالیست آمریکا این روز را به افتخار و برای تجلیل از اعتصاب کارگران نساجی نیویورک، که در آن زنان علیه شرایط کاری خود اعتراض کرده بودند، برگزید.



## روز هشتم مارس به‌طور سنتی به نام روز مبارزه زنان علیه بی‌عدالتی و فشار علیه زنان در خاطره‌ها باقی ماند.



۱۹۱۰: کنگره جهانی سوسیالیست‌ها، طی جلسه‌ای در کپنهاگ، «روز زن» را روز بین‌المللی زنان اعلام و آن را به‌عنوان حرکتی در جهت کسب حقوق زنان و گسترش حمایت به‌منظور دستیابی زنان به حق رأی در سراسر جهان، تثبیت کرد. طرح پیشنهادی با موافقت بیش از یکصد تن از زنان از ۱۷ کشور جهان در این کنگره به تصویب رسید، و نخستین پیامد آن، انتخاب سه زن در پارلمان فنلاند بود. در این کنگره تاریخ ثابتی برای برگزاری مراسم انتخاب نشد.

۱۹۱۱: بازتاب کنگره کپنهاگ سبب شد که روز جهانی زن برای نخستین بار (۱۹ مارس) در اتریش، دانمارک، آلمان و سوئیس برگزار شود، یعنی در کشورهایی که بیش از یک میلیون زن و مرد در تظاهرات بزرگی شرکت و حق رأی برای زنان، امکان دستیابی به مشاغل دولتی، حقوق زنان برای کار، آموزش حرفه‌آموزی و پایان تبعیض شغلی را مطالبه کردند.

۱۹۱۳-۱۹۱۴: با شروع جنگ جهانی، روز جهانی زن دستمایه‌ای برای جنبش‌های زنان در سراسر جهان شد تا آن را به روزی برای اعتراض به جنگ جهانی تبدیل کنند. زنان روسی، به‌عنوان بخشی از جنبش صلح‌خواهی، نخستین مراسم روز جهانی زن را در آخرین

یکشنبه ماه فوریه برگزار کردند. زنان در دیگر نقاط اروپا نیز حول و حوش ۸ مارس در اعتراض به جنگ و با ابراز همبستگی با دیگر فعالان، تظاهرات باشکوهی برپا ساختند.

۱۹۱۷: زنان روسی، علیه عاقبت شوم جنگ، آخرین یکشنبه فوریه را برای اعتراض و اعتصاب خود و با درخواست «نان و صلح» انتخاب کردند (که بر اساس تقویم گرگوری روز ۸ مارس قطعیت پیدا کرد). چهار روز بعد، تزار روسیه استعفا داد و دولت موقت حق رأی برای زنان را به رسمیت شناخت.

### سازمان ملل متحد و برابری جنسی

قطعنامه سازمان ملل متحد که در سال ۱۹۴۵ امضا شد، نخستین توافقنامه‌ای بود که اصل برابری زن و مرد را تصریح کرد. از آن زمان تاکنون، این قطعنامه بین‌المللی که منجر به ارائه استراتژی‌ها، استانداردها، برنامه‌ها و اهداف مختلف از سوی سازمان ملل شده، در پیشرفت موقعیت و وضعیت زنان در سرتاسر جهان مؤثر بوده است.

پس از سال‌ها، سازمان ملل متحد و آژانس‌های تخصصی‌اش مشارکت زنان را به‌عنوان شرکای برابر با مردان در دستیابی به پرورش، صلح، امنیت، و احترام کامل برای حقوق بشر مداوم، ترفیع داده‌اند. قدرت و اختیار زنان، نشان از چهره آشکار تلاش‌های سازمان ملل متحد با نظارت و تصحیح چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در سراسر جهان دارد.

### امروزه و تجلیل از روز جهانی زن

در چند ساله اخیر، ۸ مارس روز جهانی زن، نه تنها در کشورهای توسعه‌یافته که در جوامع در حال توسعه نیز به‌صورت گسترده‌تری مطرح و ابعاد تازه‌ای به خود گرفته است. جنبش رو به رشد جهانی زنان، در تبدیل روز جهانی زن به صف‌آرایی و اعتراض در جهت دستیابی زنان به حقوق خود و مشارکت آنان در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی یاری بسیار رسانده است.

علاوه بر این، زنان جهان در روز جهانی زن تلاش کرده‌اند تا این روز را به فرصتی برای انعکاس پیشرفت‌ها و دستاوردهای به‌دست آمده، و کنش‌های شجاعانه و نیز عزم راسخ زنان عادی (که نقش شگفت‌آوری را در تاریخ کشورها و جوامع خود ایفا کرده‌اند) تبدیل کرده و این دستاوردها را گرامی بدارند.







علی خلیلی پوردارستانی

alikhilipurdarestani@yahoo.com

# اشک هایت

۱  
 کبی  
 شاد...  
 تنها کسی پیش تر آدم  
 تا  
 قانت را بهتر بنم  
 اشک هایت  
 امانم برید  
 می مانم  
 تا تو یایی  
 و اشک هایت در نیاید  
 وقتی که آدمی  
 به چشم هایت نگاه میکنم.

۲  
 از تو  
 همین  
 که بایستی و بدرقه کنی  
 اما  
 من  
 محاببت را می کاوم  
 و در درون دو پشت  
 عشقی به بزرگی فردا می بینم.

۳  
 بیش  
 همین بوده است  
 تا  
 آدمم به خود یایم  
 او رفته بود  
 می دانستم  
 تو...  
 بزم  
 اما باور نکرده ام.



دو هفته نامه غیربرخط اراده ملت

ویژه نامه زنان

ویژه نامه شماره ۱  
ضمیمه نشریه ۵۹  
۲۴ اسفند ماه سال ۱۴۰۱